



پیش‌ها و پاسخ‌ها

کد پرسش: ۶۷

احکام

احکام مکاسب و مشاغل حرام

پرسش کننده: علی راضی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره پرسش: ۱

تاریخ پرسش: ۱۳۹۴/۷/۲۶

درباره سوگواری برای اهل بیت رسول خدا (ص) چند سوال دارم که در گفتار علامه خراسانی جواب آن‌ها را نیافتم:

۱- خواندن زیارت عاشورا صحیح است یا خیر؟ آیا سندیت آن از امامان اهل بیت صحت دارد؟ برخی آن را حدیث قدسی می‌دانند.

۲- حکم قمه‌زنی چیست؟ (تعداد کمی از علمای شیعه آن را جایز می‌دانند!)

۳- حکم کاه‌گل مالیدن به سر و صورت چیست؟

۴- پیاده‌روی در قالب دسته‌جات عزاداری چه حکمی دارد؟ (در ایران بسیار مرسوم است.)

۵- اینکه گفته می‌شود برای امام حسین (ع) باید اشعار حماسی سروده شود و در روز عاشورا شور به پا شود تا با اعمال بنی امیه مقابله شود چه مصادیقی دارد؟ (علامه خراسانی هم شعرسرایی را تأیید فرموده‌اند.)

۶- آیا حضرت مهدی (ع) هم در عزاداری‌های رسمی شرکت می‌کنند؟ (طبق گفته بسیاری از علما)

پاسخ به پرسش شماره: ۱

تاریخ پاسخ به پرسش: ۱۳۹۴/۷/۲۷

برادر ارجمند!

پاسخ پرسش‌های جناب‌عالی با رعایت ترتیب آن‌ها به قرار زیر است:

۱. راوی زیارت موسوم به عاشورا، «علقمة بن محمد حصرمی» است که مردی مجهول الحال است. به علاوه، زیارت مذکور با دو طریق از او روایت شده که هر دو طریق در نظر رجال‌شناسان ضعیف است؛ زیرا در یک طریق که طریق ابن قولویه در کتاب کامل الزیارات (ص ۳۲۵) است، کسانی مانند «محمد بن موسی همدانی» واقع شده‌اند که متهم به غلو،

دروغگویی و جعل حدیث هستند و در طریق دیگر که طریق ابو جعفر طوسی در کتاب مصباح المتهجد (ص ۷۷۲) است، «عقبه بن قیس» واقع شده که مجهول است. با این وصف، زیارت مذکور صحیح الإسناد محسوب نمی‌شود، هر چند بیشتر مضامین آن از حیث معنا اشکالی ندارد.

۲. جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، زنجیرزنی و سینه‌زنی را بدعت و بر خلاف شریعت دانسته است و از اینجا دانسته می‌شود که قمه‌زنی به طریق اولی حرام است. تنها چیزی که در روایات صحیح و متواتر به آن سفارش شده، ذکر مصیبت امام حسین و گریستن بر اوست و هر کس چیزی را بر آن می‌افزاید، مأجور نیست، بلکه چه بسا گناه‌کار می‌شود.

۳. کاه‌گل مالیدن بر سر و صورت، از کارهای سفیهان است و اصلی در شرع ندارد.

۴. جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی راهپیمایی در قالب دسته‌ها فرموده است: «كَذَلِكَ الضَّرْبُ فِي الْأَرْضِ بِآلَاتِ اللَّهِ مَعَ الزَّيَاتِ وَالْأَعْلَامِ الْمُتَبَدِّعَةِ، فَكُلُّ ذَلِكَ بِدْعَةٌ وَكُلُّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ» (گفتار ۴۱)؛ «چنین است راهپیمایی در زمین با پرچم‌ها و علامت‌های ابداع شده؛ چراکه همه‌ی آن‌ها بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی به آتش راه می‌یابد». منظور آن جناب از «علامت‌های ابداع شده» سازه‌های فلزی سنگینی به شکل صلیب است که شاخه‌هایی بر فراز خود دارد و پارچه‌ها و مجسمه‌هایی بر روی آن نصب شده است و جاهلان قوم آن را بر دوش می‌کشند. از اینجا دانسته می‌شود که چنین کاری نیز شایسته نیست و اصلی در شرع ندارد.

۵. جناب علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی درباره‌ی سرودن شعر برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «وَلَا بَأْسَ بِالْبُكَاءِ عَلَى مَصَائِبِهِمْ وَإِنْشَادِ الشُّعْرِ فِيهِمْ إِذَا كَانَ صِدْقًا» (گفتار ۴۱)؛ «و گریستن بر مصائب آنان و سرودن شعر برای آنان هرگاه راست باشد اشکالی ندارد». بنابراین، سرودن شعر درباره‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شرط اینکه مضمون آن راست باشد، جایز و در صورتی که مضمون آن کذب باشد، حرام است. به علاوه، واضح است که خواندن شعر، نباید صورت غنا پیدا کند و به ترانه‌های مطرب و شورانگیز شبیه شود، بلکه باید حزین، متین و برکنار از فریاد باشد؛ چنانکه

خداوند فرموده است: ﴿وَاعْظُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ﴾ (لقمان / ۱۹)؛
«صدای خود را پایین بیاور؛ چراکه زشت‌ترین صداها صدای خر است».

۶. مهدی علیه السلام ممکن است در مجلسی که در آن سوگواری برای امام حسین بدون بدعت و معصیت انجام می‌شود شرکت کند، ولی ممکن نیست در مجلسی شرکت کند که در آن بدعتی انجام می‌شود یا دروغی بسته می‌شود؛ چراکه شرکت در چنین مجلسی شایسته‌ی او نیست. چنانکه جناب منصور نیز در مجالس سوگواری برای امام حسین شرکت می‌کند و در صورت مشاهده‌ی بدعت و معصیت، از آن‌ها خارج می‌شود؛ مانند چیزی که عبد الله پسر حبیب طبری ما را خبر داد، گفت: منصور به خانه‌ی درآمد که در آن گروهی از شیعه مصائب حسین را یاد می‌کردند و بر آن حضرت می‌گریستند، پس در میان آنان نشست تا آن گاه که گوینده‌ی شان گفت: من سگ حسین هستم! پس چون این سخن را گفت منصور برخاست و بیرون رفت در حالی که می‌فرمود: به خدا سوگند حسین به نزد آنان نیامد تا سگ باشند! آیا ندانستند که فرشتگان به خانه‌ی که در آن سگی باشد داخل نمی‌شوند؟! سپس رفت تا اینکه به خانه‌ی دیگر درآمد که در آن گروهی از شیعه مصائب حسین را یاد می‌کردند و بر آن حضرت می‌گریستند، پس در میان آنان نشست تا آن گاه که جامه‌های خود را درآوردند و در صفی واحد بر سینه‌های خود کوبیدند، پس چون این کار را کردند منصور برخاست و بیرون رفت در حالی که می‌فرمود: با شما در سنت همراهی می‌کنیم و از شما در بدعت جدا می‌شویم! (نگاه کنید به: گفتار ۴۱).

تاریخ تعلیق: ۱۳۹۶/۷/۹

نویسنده‌ی تعلیق: حسن

تعلیق شماره: ۱

نظر علامه در مورد قرائت ادعیه‌ای مانند زیارت عاشورا چیست؟

در باب جزع و غیر مشروع بودن آن برای نزدیکان از دست رفته شکی نیست، اما در باب مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام جزع و لطمه‌زنی کمترین مواسات و همدردی و اظهار غم و اندوه به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نیست؟ آیا احادیث و روایات فراوانی که در این باب به ما رسیده همه کذب و دروغ است؟ آیا قمه‌زنی که برخاسته از شدت غم و اندوه و در مواسات با حضرت مهدی علیه السلام و خون گریستن ایشان در مصیبت جدش نیست؟

پاسخ به تعلیق: ۱

تاریخ پاسخ به تعلیق: ۱۳۹۶/۷/۱۳

برادر ارجمند!

دین خداوند تابع اهواء مردم نیست، بلکه مبتنی بر قرآن و سنت است و با این وصف، نمی‌توان بر مبنای توهمات و احساسات رقیق مذهبی و با منطق ذوقی و استحسانی «آیا چنین نیست و آیا چنان نیست»، دین‌داری کرد! این نوع دین‌داری که متأسفانه در میان مردم شیوع یافته، مصداق بارز پیروی از اهواء است و نتیجه‌ای جز گمراهی ندارد؛ چراکه خداوند برای هدایت، بابتی قرار داده و آن همانا کتاب و خلیفه‌اش در زمین است و با این وصف، هر کس بدون دلیلی قطعی از کتاب یا خلیفه‌ی او در زمین دین‌داری کند، در واقع بدون هدایتی از جانب او دین‌داری کرده و دین‌داری‌اش در گمراهی است؛ چنانکه فرموده است: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ (قصص / ۵۰)؛ «و چه کسی گمراه‌تر از کسی است که از هوای خود بدون هدایتی از جانب خداوند پیروی کرده است؟!».

با این مقدمه، توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

۱. همان طور که در بالا توضیح داده شده است، سند زیارت عاشورا با توجه به ضعیف بودن «محمد بن موسی همدانی» در طریق ابن قولویه (کامل الزیارات، ص ۳۲۵) و مجهول بودن «عقبة بن قیس» در طریق ابو جعفر طوسی (مصباح المتبهج، ص ۷۷۲) و مجهول الحال بودن «علقمة بن محمد حضرمی» در هر دو طریق، صحیح محسوب نمی‌شود و این یعنی صدور آن از اهل بیت ثابت نیست، ولی متن آن در حدی که به مدح امام حسین علیه السلام و اهل بیت و یارانش مربوط می‌شود، صحیح است و از این رو، خواندن آن به اعتبار متنش - بدون اعتقاد به صدورش از اهل بیت - مانند خواندن هر سخن صحیح دیگری، اشکالی ندارد؛ مشروط به اینکه نام صحابه در آن برده نشود، بلکه به لعن مذکور در دو فقره‌ی پایانی آن با آغاز «اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمٍ» و «اللَّهُمَّ خُصَّ أَنْتَ أَوْلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي» بسنده شود؛ با توجه به اینکه در آن نامی از صحابه برده نشده، بلکه به لعن بر ظالمان به حق اهل بیت با عنوان کلی پرداخته شده که از نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی جایز است (در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۸۵) و لعن بر یزید نیز بنا بر نظر ایشان و نظر مشهور اهل سنت اشکالی ندارد (در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۷۰).

آری، تردیدی نیست که ثواب نزدیک کردن مسلمانان به یکدیگر و کاستن از تفرقه و دشمنی میان آنان در حدی که به تکفیر و ریختن خون یکدیگر و سلطه‌ی کافران بر آنان منتهی شده، از ثواب خواندن زیارت عاشورا بیشتر است؛ چراکه این کار واجب است، در حالی که خواندن زیارت عاشورا حدّ اکثر مستحب محسوب می‌شود و همه‌ی عاقلان می‌دانند که واجب بر مستحب تقدّم دارد، ولی عجیب است که بیشتر اهل تشیع نمی‌دانند و می‌پندارند که اگر لعن بر صحابه و کارهای موهنی مانند قمه‌زنی و زنجیرزنی در محرّم را ترک کنند، تشیع از بین می‌رود، در حالی که تشیع راستین مبتنی بر چنین کارهایی نیست و تشیع دروغینی که مبتنی بر چنین کارهایی است، همان بهتر که از بین برود!

گفتنی است که علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی بهترین زیارت را زیارت موسوم به امین الله دانسته (بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۹۱) و در فقره‌ی ۱۲ از گفتار ۴۱ خود، زیارت صحیحی را برای امام حسین علیه السلام تعلیم داده است.

۲. همان طور که در شرح نامه‌ی ۱۸ تبیین شده، کتاب خداوند، بسیار جزع کنندگان به هنگام شر را نکوهیده و فرموده است: «إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا» (معارج/ ۲۰)؛ «هنگامی که شر به او می‌رسد، بسیار جزع کننده است» و صبر کنندگان بر مصیبت را ستوده و فرموده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۱۵۷﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ﴿۱۵۸﴾ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿۱۵۹﴾ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿۱۶۰﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ﴿۱۶۱﴾ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿۱۶۲﴾» (بقره/ ۱۵۷-۱۵۴)؛ «و به کسانی که در راه خداوند کشته می‌شوند مردگان نگوئید، بلکه زندگانند، ولی شما نمی‌فهمید و هرآینه شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال‌ها و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و صبر کنندگان را بشارت ده؛ همانان که چون مصیبتی به آنان می‌رسد می‌گویند: ما برای خداییم و ما به سوی او باز می‌گردیم. آنان هستند که درودها و رحمتی از پروردگارشان بر آنان است و آنان همان هدایت یافتگانند». روشن است که این سخنان خداوند عامّ است و همه‌ی مصائب از جمله مصیبت اهل بیت را در بر می‌گیرد، در حالی که بنا بر مبنای علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی (بازگشت به اسلام، ص ۱۹۴ و ۱۹۵)، نسخ یا تخصیص کتاب خداوند به وسیله‌ی روایات ممکن نیست، بلکه روایات مخالف با کتاب خداوند از درجه‌ی اعتبار ساقطند و با این وصف،

اگر روایتی از اهل بیت رسیده باشد که به بی‌صبری و جزع بسیار در مصیبت امام حسین علیه السلام امر می‌کند، ساختگی محسوب می‌شود؛ چراکه بنا بر روایت متواتر ثقلین، اهل بیت تا روز قیامت از کتاب خداوند جدا نمی‌شوند؛ به این معنا که بر خلاف آن سخنی نمی‌گویند؛ همچنانکه روایات متواتری از آنان -هماهنگ با کتاب خداوند- در نهی از نیاحت و لطمه زدن عمدی به خود در مصیبت رسیده است (به عنوان نمونه، بنگرید به: کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۲۲؛ ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۵ و ۳۷۶؛ همو، الأمالی، ص ۵۱۰؛ همو، الخصال، ص ۲۲۶؛ ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۹۵؛ سید مرتضی، الأمالی، ج ۱، ص ۷۳؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۶۹ تا ۲۷۵)، بل حق آن است که هیچ روایتی از آنان حاوی امر به لطمه زدن عمدی به خود در مصیبت امام حسین علیه السلام نرسیده و نسبت دادن چنین روایتی به آنان، کذب محض است. در کدامین روایت رسیده از آنان، به قمه‌زنی یا زنجیرزنی یا سینه‌زنی یا گل‌مالی یا علم‌کشی امر شده است؟! اگر چنین کارهایی مشروع و پسندیده بود، چرا آنان خود انجامشان نمی‌دادند؟! آیا معرفت و ارادت آنان به امام حسین علیه السلام از معرفت و ارادت مدعیان تشیع‌شان کمتر بود یا آنکه مانند علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، چنین کارهایی را جایز نمی‌دانستند؟! عجیب است که مدعیان تشیع اهل بیت، به اهل بیت اقتدا نمی‌کنند، بلکه کاملاً بر خلاف سیره‌ی آنان عمل می‌کنند و عجیب‌تر آنکه این را نشان دهنده‌ی محبت خود به آنان می‌پندارند! در حالی که دروغ می‌گویند؛ چراکه خداوند تبعیت را نشان دهنده‌ی محبت دانسته و فرموده است: ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (آل عمران / ۳۱)؛ «بگو اگر شما خداوند را دوست می‌دارید، پس از من تبعیت کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهانتان را بپارزد و خداوند آمرزنده‌ی مهربان است» و از این رو، در خبر برخی یارانمان آمده است: «مَرَّ الْمَنْصُورُ عَلَيَّ جَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ وَ هُمْ يَضْرِبُونَ ظُهُورَهُمْ بِالسَّلَاسِلِ، فَقَالَ: مَنْ هَؤُلَاءِ؟! قُلْنَا: جَمَاعَةٌ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ مِنْ شَيْعَةِ الْحُسَيْنِ! قَالَ: كَذَّبُوا! لَوْ كَانُوا مِنْ شَيْعَتِهِ لَاتَّبَعُوهُ! أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ كَانَ يَنْهَى عَنِ مِثْلِ هَذَا؟!» «منصور بر جماعتی از شیعه گذشت که با زنجیرها بر پشت‌های خود می‌زدند، پس فرمود: اینان کیستند؟! گفتیم: جماعتی هستند که می‌پندارند از شیعیان حسین‌اند! فرمود: دروغ می‌گویند! اگر از شیعیان او بودند از او پیروی می‌کردند! آیا نمی‌دانند که او از مانند این کار نهی می‌کرد؟!» (گفتار ۴۱، فقره‌ی ۵). به راستی آیا «کمترین مواسات و همدردی و اظهار غم و اندوه به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم»، نافرمانی آنان و عمل

بر خلاف سیره‌ی آنان و منفور ساختن مذهب آنان در جهان است؟! بدون شک چنین نیست؛ مگر بنا بر مبنای کسانی که خداوند درباره‌ی شان فرموده است: ﴿وَإِذَا فَعَلُوا فَاجِسَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ ۗ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ (أعراف / ۲۸)؛ «و چون کار زشتی انجام می‌دهند می‌گویند که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم و خداوند ما را به آن امر کرده است، بگو بی‌گمان خداوند به کار زشت امر نمی‌کند، آیا بر خداوند چیزی می‌بندید که به آن علمی ندارید؟!». از اینجا دانسته می‌شود که کارهای حرامی مانند قمه‌زنی «برخاسته از شدت غم و اندوه و در مواسات با حضرت مهدی علیه السلام» نیست، بلکه برخاسته از جهالت و ضلالت انجام دهندگانشان و سکوت و تأیید عالمان خائن است و خود بر غم و اندوه آن حضرت می‌افزاید! بی‌گمان «کمترین مواسات و همدردی» با آن حضرت، زمینه‌سازی برای ظهور اوست که با قمه‌زنی، زنجیرزنی، سینه‌زنی، گل‌مالی و علم‌کشی انجام نمی‌شود، بلکه با التزام کامل به عقاید و احکام اسلام و دعوت مسلمانان به حمایت از آن حضرت به جای حمایت از حاکمان ظالم انجام می‌شود و این کاری است که در مجالس و دسته‌های عزاداری مدعیان تشیع از آن خبری نیست، بلکه توسط علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی در نهایت غربت انجام می‌شود، در حالی که بیشتر مدعیان تشیع از اهل مجالس و دسته‌های عزاداری با او دشمنی می‌کنند؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«دَخَلْتُ عَلَى الْمَنْصُورِ مَسَاءَ يَوْمٍ فَسَأَلْتُهُ عَنِ الْمَهْدِيِّ كَيْفَ أُمْسَى؟ فَقَالَ: أَلَا وَاللَّهِ لَقَدْ أُمْسَى وَ مَا أَحَدٌ أَعْدَى لَهُ مِمَّنْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَهُ! ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنَ الْمُتَشَيْعِينَ لَمَنْ هُوَ شَرٌّ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الْمَجُوسِ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا! قُلْتُ: وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا؟! قَالَ: نَعَمْ وَاللَّهِ وَ هُمْ الَّذِينَ يَسُبُّونَ الْمَهْدِيَّ! قُلْتُ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَنْ يَسُبُّ مِنْهُمْ الْمَهْدِيَّ؟! قَالَ: الَّذِينَ يَسُبُّونَنِي وَ هُمْ يَعْلَمُونَ أَنِّي أَدْعُوهُمْ إِلَى الْمَهْدِيَّ فَيَسُبُّونَ بِذَلِكَ الْمَهْدِيَّ!»، «در شامگاه روزی به نزد منصور آدمم، پس از او درباره‌ی مهدی پرسیدم که چگونه شام کرده است؟ فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند شام کرده است در حالی که احدی با او دشمن‌تر از کسانی نیست که خود را دوستدار او می‌شمارند! سپس فرمود: هرآینه از متشیعان کسانی هستند که از یهود و نصارا و مجوس و کسانی که مشرکند بدترند! گفتیم: و کسانی که مشرکند؟! فرمود:

آری به خدا سوگند و آنان کسانی هستند که مهدی را سب می‌کنند! گفتیم: سبحان الله! چه کسی از آنان مهدی را سب می‌کند؟! فرمود: کسانی که من را سب می‌کنند در حالی که می‌دانند من آنان را به سوی مهدی دعوت می‌کنم، پس با این کار مهدی را سب می‌کنند!»

حاصل آنکه کارهایی مانند قمه‌زنی، زنجیرزنی، سینه‌زنی، گل‌مالی و علم‌کشی در سوگ امام حسین علیه السلام، اصلی در اسلام ندارد و بدعتی مخالف با کتاب خداوند و روایات متواتر رسیده از پیامبر و اهل بیت است، بل تنها کار مشروع و پسندیده در سوگ آن حضرت، ذکر مصیبت او در قالب خطبه و شعر و گریستن بر اوست که با کتاب خداوند و سنت پیامبر و سیره‌ی اهل بیت سازگاری دارد؛ با توجه به اینکه مصداق جزع بسیار و لطمه زدن عمدی به خود محسوب نمی‌شود و خداوند از گریستن یعقوب علیه السلام بر یوسف علیه السلام و ذکر مصیبت او یاد کرده و فرموده است: ﴿وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِیْتَصَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ﴾ (یوسف / ۸۴)؛ «و از آنان روی گرفت و گفت: ای دریغ بر یوسف و دو چشمش از اندوه سپید شد، در حالی که آن را فرو می‌خورد» و با توجه به گریستن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر امام حسین علیه السلام و ذکر مصیبت او هنگامی که از شهادتش در آینده مطلع شد (مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۸، ص ۶۳۲؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۸۵؛ مسند ابن راهویه، ج ۴، ص ۱۳۰؛ منتخب مسند عبد بن حمید، ص ۴۴۳؛ مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۲۹۸؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۱۴۲؛ هیشمی، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۸۷) و گریستن امامان اهل بیت علیهم السلام بر او به هنگام یاد کردنش در خطبه و شعر بدون کارهایی مانند قمه‌زنی، زنجیرزنی، سینه‌زنی، گل‌مالی و علم‌کشی (ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۰۱ تا ۲۱۱) که الگویی نیکو برای مسلمانان است.

دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی
بخش باکتابی پرورش ما



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.